

چکیده

پژوهش حاضر به مطالعه تطبیقی برنامه ریزی و مدیریت آموزش پزشکی جامعه نگر در دانشکده های پزشکی ایران و سایر کشورهای جهان پرداخته است. دانشکده های مورد مطالعه شامل دوازده دانشکده پزشکی در ایران از مناطق سه گانه تعیین شده توسط وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و ده دانشکده پزشکی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه جهان در مناطق شش گانه سازمان بهداشت جهانی می باشد.

برای دستیابی به اهداف کلی پژوهش، اهداف ویژه در دو بخش مقایسه برنامه ریزی و مدیریت آموزش پزشکی جامعه نگر در ایران و ایران و جهان تنظیم شد. برنامه ریزی آموزش پزشکی جامعه نگر، برنامه درسی آموزش پزشکی و شامل اهداف، محتوای، برنامه درسی، بکارگیری یادگیری مبتنی بر مسئله در برنامه درسی و نظام های ارزشیابی دانشجو بود. مدیریت آموزش پزشکی جامعه نگر شامل تاثیر دانشکده بر ارائه خدمات بهداشتی قابل دسترس و برخط - مشی دولت در رابطه با آموزش بهداشت و جذب و ارتقاء اساتید بود.

برای مقایسه برنامه ریزی و مدیریت پزشکی آموزش پزشکی جامعه نگر در ایران از آمارهای توصیفی استفاده شد و برای مقایسه متغیرهای فوق در ایران و جهان از آزمون های آماری استنباطی استفاده گردید.

روش پژوهش حاضر مقایسه ای (تطبیقی) بود. ابزار گرد آوری داده ها شامل ، اسناد و مدارک دانشگاه ها و انتشارات وزارت متبوع در ایران و جهان و دو پرسشنامه مجزا بود که یک پرسشنامه مربوط به نظر اعضای هیئت علمی و اعضای شورای آموزش پزشکی جامعه نگر نسبت به عوامل موثر بر تغییر مسیر آموزش پزشکی، به آموزش پزشکی جامعه نگر و مزایا و معایب آن بود. که سوالاتی نیز در باره مشخصات آنان مطرح شده بود. پرسشنامه دیگر مربوط به برنامه ریزی و مدیریت آموزش پزشکی جامعه نگر در دانشکده های پزشکی در ایران بود که قبلا توسط ریچاردز و فلوپ برای بررسی برنامه ریزی و مدیریت آموزش پزشکی جامعه نگر در دانشکده های پزشکی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه استفاده شده بود که با اصلاحاتی در ایران بکار گرفته شد. نتایج بدست آمده حاکی از اینست که : مهمترین عاملی که از نظر اعضای هیئت علمی و اعضای شورای آموزش پزشکی جامعه نگر در تغییر مسیر آموزش پزشکی خیلی اهمیت داشته " تناسب آموزش با نیازهای جامعه " بوده است که میزان آن ۸۱/۹ درصد با میانگین رتبه ۴/۷۵ و کمترین اهمیت مربوط به " الگوبرداری از روش آموزش پزشکی غرب " با میزان ۱۱/۵ درصد و میانگین رتبه ۲/۷۱ بوده است و همچنین از نظر اکثریت آنان یعنی ۹۱/۴ درصد ویژگی برنامه آموزشی مبتنی بر نیازهای بهداشتی جامعه " از محاسن زیاد این شیوه آموزشی بوده است . میانگین رتبه این ویژگی ۴/۹ بوده که بالاترین میانگین رتبه بوده است و بیشترین معایب مربوط به " کم شده تعداد آموزش نظری " بوده که میانگین رتبه آن در چارک چهارم ۳/۲۹ بوده است.

برای تجزیه و تحلیل از آزمون فیشر، کای اسکور، منتل هنزل با نرم افزارهای SPSS، EPI6

INSTATA و برنامه Windows95 استفاده شد.

پس از آزمون فرضیه های پژوهش مشخص گردید که بین واحدهای مورد پژوهش از نظر تاکید بر مفاهیم جامعه نگری، فعالیت های آموزشی دانشجویان پزشکی در برنامه آموزشی، روش آموزش غالب در سال های مختلف تحصیلی تفاوت معنی دار وجود دارد. لیکن از نظر بکارگیری یادگیری بر اساس مسئله در برنامه آموزشی، تاثیر دانشکده بر ارائه خدمات بهداشتی از نظر مراقبت های قابل دسترسی و تاثیر دانشکده بر خط مشی های دولت در رابطه با آموزش بهداشت در واحدهای مورد پژوهش تفاوت معنی داری وجود ندارد.

در پایان پژوهشگر پیشنهاداتی برای کاربرد یافته ها و برای پژوهش های بعدی ارائه نموده است. همچنین پژوهشگر بر اساس یافته های این پژوهش و یافته های سایر پژوهشگران در ایران و جهان الگویی برای آموزش پزشکی در ایران با توجه به انتظارات جامعه اسلامی از پزشک آینده ارائه نموده است.